

## رابطه فطرت با خدا پرستی

بتول طوسی<sup>۱</sup>

### چکیده

فطرت خمیر مایه‌ی وجودی هر انسان است که اگر جایی متولد شود که هیچ کس در آنجا نباشد باز از درون ندایی او را دعوت به پرستش موجوی بی بدیل و بی همتا و قدرتی نامتناهی دعوت می کند. بی توجهی به فطرت خداجوی انسان، باعث شده که انسانها خود را رها حس کنند، به دنبال دنیاپرستی و شهوت خواهی باشند. در آیات و روایات به مسئله ی فطرت تأکید بسیاری شده است. برای آشنایی و شناخت رابطه فطرت و خداشناسی به روش اسنادی و به شیوه توصیفی به دست آمد که خداشناسی یک مسئله مجهول و ناشناخته نیست که نیاز به استدلال‌های منطقی و فلسفی داشته باشد بلکه فطرت به عنوان یک سرمایه و فعل خداوندیست که در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است تا کسی بهانه نیاورد و اظهار بی خبری نکند. در واقع دست خود انسان است که این گنجینه را خاک بریزد تا مخفی شود. حب نفس و حب دنیا از ریشه ی معاصی است برای غبارآلود کردن فطرت خداجوی هر انسانی، تا جایی که حتی راه هدایت را نیز می بندد. شناخت خود با تمام زیر مجموعه‌هایش از عوامل رستگاری و شکوفا کردن فطرت و خداشناسی معرفی شده است. بنابراین فطرت رابطه مستقیم با خداشناسی دارد.

**کلید واژه:** خداشناسی، غفلت، فطرت.

---

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه اندان.

## مقدمه

سرشت اولیه انسان است که شامل نیروها و استعدادهایی است که در نهاد و ذات او قرار گرفته که زوال ناپذیر است ولی ضعف در آن راه دارد. مسأله فطرت از طرفی یک بحث فلسفی و از طرف دیگر یک بحث دینی و اسلامی است. از موضوعات مهم فلسفی خدا، انسان و جهان است. از نظر اسلام انسان دارای گرایش‌های فطری است که مهم‌ترین آن حس حقیقت جویی و کاوش، حس خیرخواهی، حس زیبا دوستی و جمال خواهی، حس عشق و پرستش می‌باشد. منظور از خداپرستی این است که انسان به بینشی برسد که یقین کند سر تا پا نیاز است و عین نیاز به خداست و اینکه علت و خالق او خداست تا بتواند به آرامش برسد. خدا هست یعنی اله و معبودی هست که مالک و ربی علیم و قادر است پس حتماً فعل بیهوده و عبث از او صادر نمی‌گردد و یکی از این افعال فطرت الهی در وجود انسان می‌باشد که او را به رشد و تقرب و کمال می‌رساند که با بندگی و پرستش او این رشد محقق می‌شود. مسئله ارتباط فطرت با خدا پرستی، دو امر مهم است که مورد تاکید قرآن کریم و اسلام و روایات واقع شده است.

در قرآن به منظور بیداری مردم از غفلت و یادآوری روح مقدس و کرامت و شرافت انسانی و هدفدار بودن آنها به مسئله ی فطرت و خداپرستی و خدا شناسی فطری پرداخته شده است و نادیده گرفتن امور فطری از جمله خدا شناسی و خدا پرستی باعث شده که انسان ها خود را یله و رها حس کنند و به دنبال هوا پرستی و دنیا پرستی و ... روی بیاورند. با توجه به اینکه در عصر کنونی دیده می شود که برخی افراد بر خلاف فطرت خود که خدا شناس و عاشق پرستش حق است مرتد می شوند و یا دچار شک در وجود خدا و دین شده و می‌گویند که چیزی را قبول و باور ندارند. لازم است رابطه فطرت با خداپرستی مورد بررسی قرار گیرد.

مقالات و کتاب‌های زیادی در مورد فطرت و خداشناسی و خداپرستی نوشته شده از جمله کتاب «فطرت در قرآن» نوشته آیه الله جوادی آملی (۱۳۷۹) در ۳ بخش نوشته شده است از جمله کلیات و مبادی فطرت در قرآن، عوامل و موانع شکوفایی فطرت در انسان. کتاب «فطرت» نوشته مرتضی مطهری (۱۳۷۸) که دارای ۱۱ فصل است که بخش‌هایی از فصل اول آن در رابطه با معنای فطرت است و فطری بودن دین و نظر قرآن درباره منشأ دین است. کتاب «خداشناسی» نوشته محمد رضا کاشفی (۱۳۸۸) می‌باشد که به پرسش و پاسخ دانشجویی پرداخته است. کتاب «هدف از خلقت»

نوشته ابوالحسن مهدوی (۱۳۸۳) که در بخشی از کتاب به شناخت و معرفت الله پرداخته است. مقاله «فطری بودن گرایش به دین» نوشته عبدالله حاجی صادقی (۱۳۸۴) که به مسأله فطرت پرداخته و مقاله «فطرت و جایگاه آن در تبیین معنای زندگی با تأکید بر نظر علامه طباطبایی» نوشته هدی سبزی و سید محمد علی دیباجی؛ مقاله «هدایت معرفت فطری در احادیث» نوشته علی ربانی گلپایگانی (۱۳۷۸). هیچ یک از کتب و مقالات یافت شده رابطه فطرت با خداشناسی را به صورت مستقل مورد بررسی قرار نداده است که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

در این مقاله بعد از بیان مفهوم فطرت و خدا پرستی ارتباط فطرت با خداشناسی مورد بررسی قرار می گیرد و همچنین ویژگی های فطرت، مانند ازلی بودن، انعطاف پذیر بودن و عواملی که تاثیر زیادی در تقویت مانند تعالیم انبیاء، تزکیه نفس و عواملی که باعث پوشاندن فطرت خدا جوی انسان می گذارد مانند، غفلت، خود فراموشی، خودپرستی، دنیا پرستی (حب دنیا) مورد بررسی قرار می گیرد.

## مفهوم شناسی

قبل از بیان مطالب، لازم است مفاهیمی چون فطرت، خداشناسی و خداپرستی مورد بررسی قرار گیرد.

## فطرت

فطرت از ماده ی فطر به معنای شکاف، صفت طبیعی موجودی در آغاز خلقت، اختراع و ساختن.<sup>۱</sup> شکافتن از طول،<sup>۲</sup> ایجاد و ابداع<sup>۳</sup> آمده است. از طرفی خلقت الهی همانند شکافتن پرده، نیستی و عدم و اظهار هستی می باشد یکی دیگر از معانی این کلمه آفرینش و خلقت ابتدایی و ابداعی است

---

۱. افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۶۶۷.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۶۴۰.

۳. همان، ص ۳۸۴.

که مکرر در قرآن آمده است، از جمله: «فطرهن»<sup>۱</sup> «فاطر السموات و الارض»<sup>۲</sup> «اذا السماء انفطرت»<sup>۳</sup> «منفطر به»<sup>۴</sup>.

لغت فطرت بر وزن فعله فقط در آیه ۳۰ سوره روم آمده است که در مورد انسان و دین است. کسانی که به زبان عربی آشنا هستند وزن فعله را دلالت بر نوع یا گونه می‌دانند مثل نوع خاصی از نشستن؛ فطرت در این آیه منصوب به فعل محذوف است، یعنی بگیر فطرت الهی را، درونت را مواظب باش.

حدیث عجیبی از ابن عباس پسر عموی پیامبر (ایشان یک فرد عجمی نبوده که بگوییم لغت عرب را نمی‌شناسد) نقل شده می‌گوید: من وقتی معنی کلمه فطرت که در قرآن آمده را فهمیدم که دو عرب بر سر یک چاه نزاع داشتند یکی از آنها گفت چاه مال من است «انا فطرتها»، مقصودش این بود که من ابتدا آن چاه را حفر کردم. ابن عباس می‌گوید فطرت در قرآن یعنی خلقت صد در صد ابتدایی در انسان که حتی در غیر انسان هم سابقه ندارد.<sup>۵</sup>

واژه فطرت در فارسی سرشت و طبیعت<sup>۶</sup> ترجمه شده و یکی از راه‌های رسیدن به وجود خدا فطرت و ضمیر باطنی انسان است به این معنا که انسان همواره در درون خود یک حقیقت جهانی هوشمند را به خودی خود احساس می‌کند بدون اینکه به برهان و دلیل نیاز داشته باشد.

در منطق قضایای فطری، قضایایی هستند که قیاس همراهشان می‌باشد، در عرفان این واژه تحت عنوان عشق فطری به حقیقت هستی و استعداد وصول آدمی به معرفت شهودی یاد شده و در فلسفه نیز به نوعی شناخت عقلی که بدون توسل به اسباب حسی تجربی و بدون تعلیم و تعلم حاصل می‌شود معرفت بدیهی یا فطری گفته شده است. آسان‌ترین و بهترین راه شناخت خدا راه دل یا برهان فطرت است.

---

۱. انبیا، آیه ۵۶.

۲. انعام، آیه ۱۴.

۳. انفطار، آیه ۱.

۴. مزمل، آیه ۱۸.

۵. قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۹۲.

۶. مطهری، فطرت، ص ۲۳.

۷. معین، فرهنگ معین، ص ۱۷۵۶.

## مفهوم خدا شناسی:

واژه خدا یعنی قائم به خود، آفریدگار جهان، الله و ... ترجمه شده<sup>۱</sup> و خدا شناسی از مفاهیمی است که هر انسانی حتی منکران وجود خدا نیز تصویری از آن در ذهن خود دارند، همه می دانند خداوند یعنی موجودی که خالق همه موجودات، توانای بر هر کار، آگاه بر هر چیز، بینا و شنوا، حی و زنده و ... می باشد گرچه وجود چنین خدایی را نپذیرند.

روانشناسان و فیلسوفان جدیدی چون، ویلیام جیمز آمریکایی می گوید: «من به خوبی می پذیرم که سرچشمه زندگی مذهبی، دل است.»

می گوید: فلسفه و علوم (علم کلام) مذهب را به وجود نیاورده بلکه این، احساس مذهبی است که اینها را به وجود آورده است.<sup>۲</sup>

در قرآن انسان را بالفطره خداشناس معرفی کرده و مدعی است که همه انسانها در مرحله ای، وجود پروردگار خود را به صورت عیان مشاهده کرده و به ربوبیت او اعتراف کرده اند و به حسب آفرینش خود یک شناخت از آفریننده خود دارند. از نظر علامه دین توحیدی دینی است که با فطرت بشر وفق دارد و به هیچ وجه قابل تغییر و تبدیل نیست و به راستی حرکت در بستر دین منطبق با فطرت، انسان را به سعادت حقیقی می رساند. سعادت که با تمام تار و پود هستی انسان هماهنگ است و نیاز انسان به پروردگار با سرشت و ذات او در هم آمیخته شده، عالم و جاهل، صغیر و کبیر، شریف و ضعیف، همه در این درک مساوی هستند.<sup>۳</sup>

## توحید فطری

انسان در درون خود با علم حضوری خدا را حس می کند. آیات زیادی در قرآن وجود دارد که به مسئله خدا شناسی پرداخته، از جمله:

«و اذ اخذ من بنی آدم من ظهورهم ذریعتهم و اشهدهم علی انفسهم است برکم قالوا بلی شهدنا...»<sup>۴</sup>

---

۱. همان، ص ۴۱۸۲.

۲. مطهری، توحید، ص ۳۳.

۳. طباطبایی، خداشناسی، ص ۱۶ و ۱۷.

۴. اعراف، آیه ۱۷۲.

## ۲\_ غفلت:

غفلت از عوامل بسیار مهمی است که نمی‌گذارد انسان به سوی کمال حرکت کند و به پیش برود. در سوره اعراف آیه ۱۷۹ اینطور بیان شده است: «به یقین گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دل‌ها و عقل‌هایی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و نمی‌فهمند. چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند، گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند و آنها چون چهار پایانند، بلکه گمراه‌تر، اینان همان غافلانند.

امیرالمومنین می‌فرماید: «از غفلت بپرهیزید زیرا به زبان جان شماست. برای رسیدن به عقل سلیم و فطرت خالص باید گناه و غفلت را از خود دور کنید.»<sup>۱</sup>

غفلت، باعث می‌شود که انسان خود را فراموش کند و مشغول به بیرون از خود شده دچار خود فراموشی، در نهایت خدا فراموشی گردد.<sup>۲</sup>

عوامل غفلت از جمله: رویگردانی از یاد خدا، فراموش کردن خدا، عدم ایمان، فراموش کردن روز حساب و یاد مرگ و همچنین، همنشینی با دوستان ناباب، غفلت از یاد آیات الهی، علاقه افراطی به اموال و اولاد است.

راه حل زدودن این مانع، مراقبت از خود، یاد و ذکر خدا، نه فقط زبانی، بلکه خدا را همه جا ببیند، خواندن آیات قرآن، یاد نعمت‌ها و نعمت دهنده، عبرت از تاریخ پیشینیان، یاد مرگ و یاد قیامت و استمداد خواستن از خدا و اهل بیت می‌باشد.<sup>۳</sup>

## ۳\_ وسوسه شیطانی

شیطان با دسیسه‌های خود، باطل را جای حق می‌نشانند و برای فریب، وهم و خیال را به جای عقل، در نتیجه گرفتار مغلطه می‌کند.<sup>۴</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

۲. جواد آملی، همان، ص ۳۹۴.

۳. احمد پور فاضلی، غفلت و درمان آن در قرآن، ص ۴.

۴. جواد آملی، همان، ص ۳۹۴.

برای زدودن این مانع، انسان باید به گناه بی‌رغبت شود تا راه ورود شیطان را به قلب خود ببندد. قوه خیال و وهم از مهم‌ترین ابزار شیطان، برای گمراهی انسان است. حتی در عبادت و تعبد، عقل و فکر انسان که باید طبق دستور خدا باشد، رخنه کرده تا طبق میل خود انسان قرار دهد. بعد طبق آیه ۲۲ سوره ابراهیم، در برابر جهنمیان که او را مقصر می‌دانند می‌گوید: «من وعده دادم در حالی که از طرف خدا برای شما حجت‌هایی مثل پیامبران، عقل، فطرت را داشتید خودتان را ملامت کنید.»

در آیه ۱۶ حشر آمده است که شیطان در جواب کسانی که حرف او را گوش داده، پیرو او و کافر شدند بیزاری می‌جوید.

#### **۴\_ کبر و خودپسندی**

کبر و غرور یکی از گناهان کبیره است که مانند غبار روی فطرت را می‌پوشاند و اگر ادامه یابد و توبه صورت نگیرد انسان را دچار سقوط و نابودی خواهد کرد.<sup>۱</sup>

کبر یعنی انسان، خود را برتر از دیگران بداند و این یک جهل و توهم است، زیرا خداوند همه را از یک نفس واحد خلق کرده است و کبریایی مخصوص خود اوست و کسی را شریک این صفتش قرار نداده است.

شیطان با این صفت از درگاه خداوند رانده شد با آن همه عبادت، چگونه انسان خود را برتر می‌بیند؟ حتماً طبق آیه اول سوره انسان فراموش کرده که چه چیزی بوده است؛ چیز غیر قابل ذکر.

آدمی، هرگز دنبال علو و برتری و خود دیدن، در افکارش، ظاهرش، گفتارش، اعمالش و هر چیز دیگری نسبت به دیگران نباید باشد زیرا با قاعده‌ی بندگی، خودسازی و رسیدن به کمال که وصل شدن به دریای خداخواهی است منافات دارد.

---

۱. آزر می، نفس در اسارت شیطان، ص ۱۱۱.

علاوه بر شیطان، هوای نفس، که دشمن‌ترین دشمن برای انسان است و همیشه در فکر تفرج و جلب توجه و ستایش می باشد به این صفت رذیله و همه‌ی رذایل و گناهان خیلی دست دارد. در حالی که کمترین ادب، به گفته امام حسین(ع) این است که: «هر که را می بینی از خودت بهتر بدانی.»<sup>۱</sup> به هر صورت کبر، غرور و هر گناه دیگری باعث می شوند تا فطرت سالم انسان را بپوشانند.

## ۵\_رفاه و آسایش:

انسان وقتی در رفاه، ثروت، سلامتی و آسایش غرق می شود طغیان می کند؛ چون همه چیز طبق مراد دلش است و دیگر خدا را بنده نیست؛ چون فطرت را تحت شعاع خود قرار می دهد. پس فطرت انسان در تنگناها، زمان خطر، مرگ و مشکلات بیدار می شود. از این بابت است که گفته شده، فقر و بیماری مثل ترمز می ماند برای نفس سرکش انسان.<sup>۲</sup>

## نتیجه:

فطرت یکی از راه‌های درونی برای پی بردن به وجود خداست. که با استناد به آیات و روایات می توان گفت رابطه ای غیر انکار شدنی با خداپرستی، خداشناسی و دین اسلام دارد. فطرت انسان، همیشه در راه خیر و خوبی می باشد و با غریزه و طبیعت تفاوت دارد. فطرت، نوع خاص آفرینش انسان است که یقیناً سرمایه ایست برای هدایت او، مخصوصاً زمانی که به شکوفایی برسد.

فطرت ویژگی هایی چون: همگانی بودن، انعطاف پذیری و بالقوه بودن دارد، به صورتی که هر نوزادی وقتی متولد می شود این گوهر خداجو را با خود دارد. فطرت خداجو، اکتسابی، قابل آموزش نیست و با تجربه کردن بدست نمی آید. زوال ناپذیر است ولی عواملی بر آن اثر می گذارد که باعث تقویت و خمودیش خواهد شد.

عواملی مثل: تکبر، گناه، دنیاطلبی، وسوسه های شیطانی و غفلت، باعث رکود فطرت می شوند و روی اعتقادات انسان اثر می گذارند تا حدی که منکر خدا شده و فرد را به کفر می کشاند.

---

۱. میردامادی، مواظظ المعصومین، ص ۱۹۵.

۲. کاشفی، خداشناسی، پرسش و پاسخ دانشجویی، ص ۴۲.

عواملی چون: شناخت خود، تقوا، تزکیه نفس، عبادت و یاد خدا باعث تقویت فطرت خواهند شد. بنابراین فطرت انسان، با خدشناسی رابطه‌ی مستقیم دارد.

### **فهرست منابع:**

\*قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.

\*نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. آرمی، معصومه بیگم، **نفس در اسارت شیطان**، چاپ پنجم، قم: انتشارات تهذیب، ۱۳۸۶.

افرام بستانی، فؤاد، **فرهنگ ابجدی المنجد الابدی**، ترجمه استاد رضا مهیار، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.

۲. جوادی آملی، عبدالله، **فطرت در قرآن**، چاپ پنجم، مشهد: نشر اسراء، ۱۳۸۷.

۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم جسین بن محمد، **المفردات فی الفاظ قرآن**، راغب اصفهانی، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۷.

۴. شاکر، کمال مصطفی، **ترجمه خلاصه تفسیر المیزان**، ترجمه: فاطمه مشایخ، ج ۲، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۷.

۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، **شرح مصباح الشریعة**، ترجمه: عبد الرزاق بن محمد هاشم گیلانی، محقق/مصحح: محمدبن حسین آقا جمال خوانساری، چاپ: اول، تهران: نشر پیام حق، ۱۳۷۷ش.

۶. طاهر زاده، اصغر، **آشتی با خدا از طریق آشتی با خود راستین**، چاپ ۵، قم: انتشارات لب المیزان، ۱۳۸۶.

۷. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۵، چاپ سیزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

۸. کاشفی، محمدرضا، **خداشناسی پرسش و پاسخ دانشجویی**، چاپ ششم، قم: دفتر نشر معارف، سال ۱۳۸۶.

۹. مطهری، مرتضی، **توحید**، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.

۱۰. \_\_\_\_\_، **فطرت**، چاپ بیستم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.

۱۱. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، چاپ دوم، تهران: انتشارات نامن، ۱۳۸۶.

۱۲. میردامادی، سید محمدباقر، **مواعظ المعصومین (ع)**، چاپ اول، قم: انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۳.

#### مقالات:

۱۳. احمدپور فاضلی، بهزاد، «غفلت و درمان آن در قرآن»، نشریه بشارت، شماره ۶۶ و ۷۷، ۱۳۸۷.

۱۴. حق شناس، محمد حسین، «عوامل پوشش فطرت و بیداری آن»، سایت راسخون، ۵ تیر ۱۳۹۱.

۱۵. حیدری فر، مجید و محمدعلی فقیهی و محمد حسنی، «خود فراموشی و زمینه های آن با تاکید بر آیه ۱۹ حشر»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، ش ۲۹، ۱۳۹۶.

۱۶. طباطبایی، محمد حسین، «خداشناسی عرفانی و قرآنی»، فصلنامه پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۱.

۱۷. قدردان قراملکی. محمد حسن، «اثبات خدا در قرآن»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۵.

۱۸. منصوری. بیژن، «تحلیل فطرت خداخواهانه انسان از منظر آیات»، پژوهشنامه معارف قرآنی، آفاق دین، شماره ۲۷، ۱۳۹۵.